

بررسی مؤلفه سازگاری مدل هوش هیجانی بار - ان و روش‌های پرورش آن در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

آزاده جعفری

کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه دانشکده اهل بیت (علیهم السلام) دانشگاه اصفهان. اصفهان. ایران.

Azadejaafari2013@gmail.com

امیرحسین بانکی‌پور

استادیار دانشکده اهل بیت دانشگاه اصفهان. اصفهان. ایران

A.bankipoor@ahl.ui.ac.ir

سیده راضیه طبائیان

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان. اصفهان. ایران.

R.tabaeian@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و استخراج روش‌های پرورش مؤلفه سازگاری مدل هوش هیجانی بار-ان بود. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و با روش تحلیل محتوا انجام شد. سه خرده‌مؤلفه سازگاری «انعطاف‌پذیری، حل مسئله و آزمون واقعیت» در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) بررسی شد. انعطاف‌پذیری در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)، عقاید و اصول را دربر نمی‌گیرد و رفیق و مدارا در هنگام مشاهده ظلم و گناه و تجاوز به حقوق دیگران و پایمال‌شدن اصول اسلام مذموم بوده و مداهنه نامیده می‌شود و در چنین مواقعی باید با خشونت و شدت با آن برخورد کرد. روش‌های پرورش این مؤلفه در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)، کسب صفت رفیق و مدارا و شناخت، آگاهی و پذیرش تفاوت‌های بین فردی بود. روش‌های پرورش خرده‌مؤلفه حل مسئله در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) عبارت بود از فکر و اندیشه درباره مسئله، توکل بر خداوند و مشورت‌کردن با افراد واجد شرایط. خرده‌مؤلفه آزمون واقعیت

درباره دیدن واقعیت‌ها است، ولی سنت و سیره امام علی (علیه‌السلام)، راه‌های رسیدن به حقیقت‌ها و واقعیت‌ها را پیش روی انسان قرار داده بود که این راه‌ها عبارت بود از: لزوم ضرورت و کوشش مداوم برای رسیدن به حقیقت، لزوم صبر و استقامت و تحمّل مشکلات برای رسیدن به حقیقت، عبرت از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت قیامت و تقوای الهی، لزوم پرهیز از خیال‌بافی و داشتن برهان از پروردگار و یا حجّتی آشکار، لزوم پیروی از اولیای خدا و اهل بیت پیامبر و تکیه نکردن بر نادانی خویش و پیروی نکردن از هوای نفس، لزوم پرهیز از دنیا و حجاب‌های پندار این عالم و غفلت از خود و خودفریبی.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه سازگاری، هوش هیجانی، سنت و سیره، امام علی (علیه‌السلام)، بار-ان.

مقدمه

پژوهش‌های نوین نشان می‌دهد که هوش شناختی به‌تنبه‌ایی برای رساندن انسان به سعادت و موفقیت کافی نیست و انسان برای رسیدن به موفقیت‌های فردی و اجتماعی به هوش هیجانی نیازمند است. در زمینه هوش هیجانی تعاریف و مدل‌های متعددی ارائه شده است. از جمله مهم‌ترین این مدل‌ها، مدل هوش هیجانی دانیل گلمن^۱ مدل مایر و سالوی^۲ مدل دولویکس و هیگس^۳ و مدل بار-ان است. از دیدگاه بار-ان (۱۹۹۷) هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها و کفایت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی است که توانایی فرد را برای کسب موفقیت در مقابله با احتیاجات و فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد. صفات هیجانی در این نوع هوش، رکن اساسی است که آن را از هوش شناختی متمایز می‌کند و کاربردها و تأثیرات مهمی بر فعالیت‌های گوناگون آدمی چون رهبری، مدیریت، توسعه حرفه‌ای یا شغلی، زندگی خانوادگی و زناشویی و ازدواج، تعلیم، تربیت روابط اجتماعی و سلامت جسمی و بهزیستی روانی داشته باشد (نوری امام زاده‌ای، ۱۳۸۸: ص ۲۵). به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، هوش هیجانی در زندگی عادی اهمیت زیادی دارد پس باید هوش هیجانی را شناخت و در جهت تقویت و پرورش آن کوشید. مدل هوش هیجانی بار-ان

1. Goleman daniel.
2. Mayer & Salovey.
3. Duluyks & Higgs.

شامل پنج مؤلفه کلی است که عبارت‌اند از: مهارت‌های درون‌فردی،^۱ مهارت‌های بین‌فردی،^۲ مهارت‌های سازگاری،^۳ مهارت‌های مهارت‌تندگی و^۴ مهارت‌های خلق کلی^۵.

پژوهشگر مؤلفه سازگاری را بررسی می‌کند، زیرا امروزه انسان در دنیایی زندگی می‌کند که بیش از هر زمان دیگری نیازمند سازگاری است. بدون شک داشتن سازگاری می‌تواند نقش بسزایی در زندگی افراد داشته باشد. تلاش برای داشتن یک زندگی دور از تنش و پرخاش و مشکلات رفتاری، موجب آسایش روح و سلامت خانواده و اجتماع است. بعضی افراد در محیط خانه و محل کار، یا در محله و منطقه سکونت با دیگران ناسازگارند که نشانه نوعی غرور و خودخواهی و خودبرتری نسبت به مردم است و نتیجه آن هم تنها ماندن و انزوا است؛ از سوی دیگر، بی‌طاقتی در مقابل حالات و رفتار دشوار و ناهنجار دیگران نیز ریشه در کم‌ظرفیتی دارد و به تشدید این تعارض و ناسازگاری می‌انجامد. از آنجاکه عدم مهارت سازگاری، افزایش نزاع در جامعه، فروپاشی خانواده‌ها و مشکلات روانی متعدد را به دنبال دارد، بررسی این مؤلفه و استخراج روش‌های پرورش آن بر ضرورت این کار می‌افزاید.

مؤلفه سازگاری در مدل هوش هیجانی بار-ان شامل سه خرده‌مؤلفه انعطاف‌پذیری^۶، حل مسئله^۷ و آزمون واقعیت^۸ است (بار-ان، ۲۰۰۶). از نظر ورشل و گوتالز^۹ (۱۹۸۹) سازگاری، عبارت است از وظیفه روزمره ما در کنار آمدن با خود، محیط خویش و کسانی که با آنان در ارتباط هستیم (محموظی و جان بزرگی، ۱۳۷۷). در تعریف دیگر، عبارت است از توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنار آمدن با خود، محیط و دیگران (فولادی، ۱۳۸۳: ص ۲۵).

خرده‌مؤلفه انعطاف‌پذیری عبارت است از توانایی منطبق کردن عواطف، افکار و رفتار در موقعیت‌ها و شرایط دائماً در حال تغییر. افراد انعطاف‌پذیر، افرادی موظف، فعال و قادر به تغییر بدون تعصب به ایده‌ها و جهت‌گیری‌ها هستند (بار-ان). انعطاف‌پذیری توانایی انطباق افراد با

1. Skill of intrapersonal.
2. Skill of intrepersonal.
3. Skill of adaptability.
4. Skill of management.
5. Skill of general mood.
6. Flexible.
7. Problem-Solution.
8. Real-Test.
9. worchel & goethals.

رویداد های جدید است (پاینه^۱ و همکاران، ۱۹۹۳). انعطاف پذیری یک فرایند پویا تعریف می شود که مسئول ایجاد انطباق^۲ مثبت، با وجود تجارب مخالف یا تروماتیک در فرد است. انعطاف پذیری ساختارهایی مرتبط با سازگاری هستند. سازگاری مبتنی بر وظیفه^۳ با انعطاف پذیری ارتباط مستقیم دارد (فرهودیان، ۱۳۸۴).

خرده مؤلفه حل مسئله عبارت است از: توانایی شناسایی و تعریف مشکلات، داشتن کفایت و انگیزه برای مقابله مؤثر با آن، تعیین راه حل های مختلف مسئله، تصمیم گیری و انجام یکی از راه حل ها (بار-ان، ۲۰۰۶). طبق پژوهش های انجام شده داخلی و خارجی بین حل مسئله و سازگاری رابطه وجود دارد. دزوریل و شیدی^۴ الیوت^۵ و حجاری و همکاران به این نتیجه رسیده اند که بین حل مسئله و سازگاری رابطه معنادار وجود دارد (حجاری، امیری، محمدیان و ملک پور، ۱۳۸۵). حل مسئله فرایندی ساده است که به راحتی می توان آن را آموخت. در این رویکرد، فرد می آموزد که چگونه با شیوه های صحیح و کارآمد مشکل را تعریف و بررسی کرده و برای حل آن اقدام کند (ثابتی، شهنی ییلاق، ۱۳۷۷)؛ بنابراین، برای توانایی در مؤلفه سازگاری، باید شیوه های حل مسئله را آموخت.

خرده مؤلفه آزمون واقعیت عبارت است از: توانایی سنجش میزان انطباق بین آنچه فرد تجربه کرده و آنچه واقعاً وجود دارد، تلاش برای فهم امور به طور صحیح و تجربه رویدادها آن گونه که واقعاً هستند بدون خیال پردازی (بار-ان، ۲۰۰۶). از دیدگاه بار-ان توانایی در سنجش میزان انطباق بین آنچه واقعاً وجود دارد با آنچه تجربه کرده است و رسیدن انسان به واقعیت ها او را سازگار می کند.

این پژوهش بر آن بود که خرده مؤلفه های سازگاری را در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) بررسی کند؛ زیرا سازگاری در زندگانی مبارک ایشان جایگاه برجسته ای دارد و دیدگاه امام علی (علیه السلام) را درباره این خرده مؤلفه ها و همچنین، روش های پرورش آنها را در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) استخراج کند؛ چراکه هر مسلمان برای پیمودن راه سعادت و بندگی به الگوهای مطمئن و عملی نیازمند است و از آنجا که معصومین (علیهم السلام) بهترین و مطمئن ترین الگوهای

1. Payne.
2. Adaptation.
3. Task- oriented coping.
4. Dzurilla,t.j.,sheedy,c.f.
5. Elliot.t.r.

تربیتی بوده و ارائه دیدگاه‌ها و کشف و عرضه تربیتی آنها ضرورتی انکارناپذیر برای پویندگان عرضه تعلیم و تربیت است؛ از این رو، ارائه دیدگاه‌ها و سیره تربیتی امام علی (علیه السلام) که خود ابوالائمه و سرآغاز تجلی گاه امامت معصومین (علیهم السلام) است بر ضرورت این کار می‌افزاید. از ویژگی‌های برجسته امام علی (علیه السلام) اهتمام فراوان ایشان به تربیت و رساندن انسان به بالاترین درجه‌های علمی و معنوی است و از آنجا که تنها هوش شناختی برای کسب موفقیت و رستگاری در زندگی کافی نیست، ضرورت بررسی و تطبیق مؤلفه‌های هوش هیجانی با سنت و سیره امام علی (علیه السلام) همچنین، استخراج روش‌های پرورش این مؤلفه‌ها به عنوان قسمی از تربیت که منجر به اعتلای زندگی فردی و اجتماعی می‌شود در سنت و سیره این امام همام، امری انکارناپذیر است.

خرده مؤلفه انعطاف‌پذیری در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است و دارای برنامه‌ای جامع برای رساندن بشر به سعادت در دنیا و آخرت است. احکام آن پر نغز و آکنده از حکمت است. ویژگی‌های انعطاف‌پذیری و سادگی دارد و بدان گونه نیست که مکلف را در سختی و تنگنا قرار دهند. خداوند تعالی، هدف از شریعت احکام را آسودگی بندگان ذکر کرده، نه مشقت و سختی آنان، نبی اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) نیز از شریعت اسلامی با عنوان «سمحه و سهله» یاد کرده‌اند (بمانعی منگابادی و غلامیان، ۱۳۹۱). انعطاف‌پذیری در شریعت اسلام به معنای عقب‌نشینی از اصول یا وادادگی نیست که این هر دو با عقیدتی بدون اصول و واقع‌گرایی عملی آنها منافات دارد؛ زیرا عقیدتی و واقع‌گرا بودن، باعث ثبات شالوده‌های عقیدتی و مفاهیم دیدگاهی و ثبات نظام و روینایی است که بر پایه آن دیدگاه مستحکم شکل گرفته است؛ بنابراین، انعطاف‌پذیری به معنای تاکتیک و گام‌به‌گامی واقع‌گرایانه‌ای است که فشارهای واقعیت را مورد توجه قرار می‌دهد و هدف از آن ژرفابخشیدن به دیدگاه اصیل و نتیجه‌گیری اجزای نظام به بهترین شکل است؛ بنابراین، انعطاف‌پذیری، انتخاب موضع موقت و گذرایی است که برای حفظ موضع کلی، بسته به اوضاع و احوال، تغییر می‌کند ولی عامل انعطاف‌پذیری، عقاید را دربر نمی‌گیرد؛ آنها مطلقاً ثابت‌اند و تحت فشار واقعیت‌ها تغییر نمی‌پذیرند. بقا و توانایی اسلام دربر گیرندگی همه دگرگونی‌ها و پیشرفت‌ها و چالش‌ها نیز در همین نکته نهفته است. احکام ثانویه بیانگر انعطاف‌پذیری شرع است (تسخیری، ۱۳۹۲).

نمونه‌ای از انعطاف‌پذیری در سوره بقره در باب تحریم گوشت مردار و خون و گوشت خوک و غیره است که خداوند می‌فرماید: «... فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۱۷۳):

«... اما اگر کسی ناچار شود، هرگاه بی میلی جوید و از حد نگذراند، گناهی مرتکب نشده است.» امام علی (علیه السلام) مردم را به انعطاف‌پذیری دعوت کرده‌اند برای نمونه می‌فرماید: «وَلَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ بِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۸: ج ۲۰، ص ۲۶۷): «فرزندان خود را به نمونه‌گیری از خود وادار نسازید، که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند. امام می‌فرماید تربیت فرزندان‌تان را با موقعیت‌ها و شرایطی که در حال تغییر است منطبق کنید. همچنین، در جایی دیگر می‌فرماید: «مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۰۱): «نزدیکی جستن به مردم در خلق و خوی آنها موجب در امان بودن از کینه آنها است». نزدیک شدن به مردم در خلق و خو، همان انعطاف‌پذیری و تغییر بدون تعصب نسبت به ایده‌ها و جهت‌گیری‌ها است؛ از طرف دیگر، امام روحیه انعطاف‌پذیری و سرسختی دیگران را به خوبی درک می‌کردند. برای نمونه متوجه روحیه انعطاف‌پذیر زبیر و روحیه غیر قابل انعطاف طلحه شده‌اند و در خطبه ۳۱ نهج‌البلاغه پیش از جنگ جمل، هنگامی که عبدالله بن عباس را نزد زبیر فرستاد تا او را به اطاعت از امام بازگرداند، خطاب به عبدالله بن عباس فرموده‌اند: «با طلحه ابداً ملاقات نکن، زیرا اگر با او روبه‌رو شوی، او را همانند گاو نری می‌یابی که شاخش در هم پیچیده (و می‌خواهد شاخ بزند) با زبیر صحبت کن، زیرا تا اندازه‌ای رام‌تر از طلحه است. شتر سرکش را سوار می‌شود و می‌گوید: این شتر رام است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۱). امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: چون طلحه آدم سر به هوا و مغرور است؛ از این رو، چیزهای بزرگ را کوچک می‌شمرد ولی با زبیر ملاقات کن زیرا طبیعت او نرم‌تر از طلحه است و می‌شود با او حرف زد. با او ملاقات کن و با او سخن بگو (منتظری، ۱۳۶۲: ص ۷). امام در این بیان به انعطاف‌پذیری زبیر و علامت انعطاف وی که همان نرمی است اشاره دارند.

روش پرورش خرده‌مؤلفه انعطاف‌پذیری در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

الف - کسب صفت رفق و مدارا

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) یکی از پرورش‌های مؤلفه انعطاف‌پذیری، ایجاد و پرورش صفت رفق و مدارا است. رفق از واژگان هم‌معنای حلم است. احادیث فراوانی در معنا و فضیلت رفق آمده است. از جمله رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) چنین می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَ قُفْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ» (نراقی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۳۰۳). برای هر چیزی قفلی است و قفل ایمان، رفق و مدارا است.

در نامه ۴۶ نهج البلاغه بهترین معیار برای بیان رفق و واژگان هم معنا آمده است: «أَمَّا بَعْدَ فَإِنَّكَ مِمَّنْ اسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ وَأَقْمَعُ بِهِ نَخْوَةَ الْأَثِيمِ... وَأَخْلِطُ الشَّدَّةَ بِضِعْفٍ مِنَ اللَّيْنِ وَأَرْفَقُ مَا كَانَ الرَّفِيقَ أَرْفَقُ...» (نهج البلاغه: نامه ۴۶). امام در این نامه، ظاهراً به فرماندار خود دستورات اخلاقی-اجتماعی می‌دهد و محور این سخن در واژگان اخلاقی، رفق است. امام ضمن تأکید بر مدارای فرماندارانش با مردم، گوشزد می‌کند هر جا شدت عمل لازم باشد باید در کنار نرمش و مدارا اجرا شود (شاملی، ۱۳۹۱: صص ۳۰۳-۳۰۰). پس رفق به معنای سازش و مدارا و نرمش بدون خشونت و زور است و کسی که دارای این صفت است به خوبی می‌تواند هیجانات خشم و به‌کارگیری زور را مدیریت کند و در برقراری ارتباط با دیگران و حفظ ارتباط موفق باشد. از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رفق و مدارا به دو قسم ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود.

انواع مدارای ممدوح در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) عبارت‌اند از:

۱. مدارا با نفس در هنگام عبادات مستحبی: به فرموده امام علی (علیه السلام)، قلب انسان در دو حالت میل و بی‌ رغبتی در نوسان است. مؤمن باید در حالتی که قلبش میل و رغبت دارد به عبادت پردازد. امام در این باره می‌فرماید: «قلبها را شهوتی [و میلی] و روی آوردنی است و پشت‌کردنی، پس آن را از جانب شهوتش و به دقت روی آوری اش به کار گیرید، زیرا که دل چون با اکراه به کاری واداشته شود، کور می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳). همچنین، می‌فرماید: «خَادِعٌ نَفْسَكَ فِي الْعِبَادَةِ وَأَرْفَقٌ بِهَا وَلَا تَقْهَرُهَا وَخُذْ عَفْوَهَا وَتَشَاطُهَا إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوباً عَلَيْكَ مِنَ الْقَرِيضَةِ، فَإِنَّهُ لَا يَبْدُ مِنْ قَضَائِهَا وَتَعَاهُدا عِنْدَ مَحَلِّهَا» (نهج البلاغه: نامه ۶۹): «نفس خویش را در کار عبادت فریب ده و با او مدارا کن و بر او سخت مگیر و هنگامی که نشاط و فراغت دارد به عبادتش آر، مگر در عباداتی که بر تو واجب است، که به ناچار باید در زمان معین خودش به‌جا آوری». بزرگان اخلاق در این باره می‌فرمایند: اگر علاقه به ده رکعت نماز مستحبی دارید، دوازده رکعت نخوانید زیرا دو رکعت پایانی که به تحمیل و فشار و بی‌حوصلگی انجام گرفته، خاطره ناخوشایندی از خود در ذهن باقی می‌گذارد و همین تصویر ناخوشایند انگیزه و طلب را برای تکرار عمل کم می‌کند، اما اگر هشت رکعت خوانده شود لذتی که از این عمل زنده و پرتراوت تجربه می‌شود دو نتیجه در پی دارد: اول، پیدایش تصویری دل‌انگیز و خاطره‌های شیرین در ذهن و دوم، پایداری شوق و عطش و تقاضا برای تکرار عمل (عالم زاده ۱۳۹۱: ص ۱۱۲)؛ بنابراین، باید با نفس خویش در هنگام عبادات مستحبی مدارا کرد.

۲. مدارا با مردم: امام علی (علیه السلام) انسان را به مدارا با دیگران امر می‌کنند و سلامت زندگی را نتیجه مدارا با مردم می‌دانند و می‌فرمایند: «سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَةِ» (لیثی واسطی،

۱۳۷۶، ص ۲۸۵). سلامت زندگی در مدارا کردن است. همچنین، در جایی دیگر می‌فرمایند: «الرِّفْقُ يُؤَدِّي إِلَى السَّلَامِ» (خوانساری، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۲۲۷). نرمی و مدارا کردن با مردم موجب آسستی می‌شود. مدارا کردن نشانه خفت نیست، بلکه نشان‌دهنده فهم و شعور و سعه صدر مداراکننده است. در ادامه نمونه‌هایی از مدارای حضرت با مردم بیان می‌شود.

طبری می‌گوید:

«چون کوفیان به ذی قار رسیدند، علی (علیه السلام) همراه عده‌ای از یاران خود به استقبال آنان رفتند و به ایشان خوشامد گفتند و فرمودند: ای مردم کوفه شما با شاهان عجم پیکار کردید و صفوف آنان را درهم شکستید، تا آنجا که میراث آنان به شما رسید، شما ناحیه خود را محافظت کردید و مردمان را بر ضد دشمنانشان یاری رساندید. من اینک شما را فراخواندم تا با ما شاهد برادران بصری خود باشید. اگر آنان دست از نبرد شستند، این همان چیزی است که ما می‌خواهیم و اگر لجاجت نشان دادند با آن مدارا می‌کنیم تا آنکه خود بنای ستمگری آغاز کنند و ما کاری را که باعث صلاح باشد بر کاری که موجب تباهی شود، ترجیح می‌دهیم. ان شاء الله» (امین، ۱۳۷۳: ص ۵۰۱).

نمونه دیگر مدارای امام در جنگ صفین است که حضرت هفده ماه صبر و بردباری و مدارا کردند تا شاید بتوانند معاویه و عمرو و عاص را به راه راست هدایت کنند. در پیکار صفین نصر بن مزاحم منقری آمده است:

«نصر: صالح بن صدقه از اسماعیل بن زیاد ارشعی گوید: علی در آغاز رجب از بصره به کوفه آمد و هفده ماه در آن شهر بماند و در این مدت نامه‌نگاری میان او و معاویه و عمرو بن عاص جریان داشت» (نصر بن مزاحم منقری، ۱۳۸۶: ص ۲۸۴).

همان‌طور که خود امام فرموده‌اند: «كَمَالُ الْحَزْمِ اسْتِصْلَاحُ الْأَضْدَادِ وَ مَدَارَاةُ الْأَعْدَاءِ» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۲۴۵). دوراندیشی به اصلاح درآوردن مخالفان و مدارا کردن با دشمنان است.

همچنین، حضرت می‌فرمایند: «وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ مَا لَمْ يَكُنْ وَهْنٌ فِي الْإِسْلَامِ أَنْجَحَ مِنَ الْقِتَالِ» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵۴۱): «سازش و مسالمت را در صورتی که موجب وهن و سستی در اسلام نباشد، سودمندتر از جنگ و کشتار دیدم». همچنین، می‌فرمایند: «مَنْ دَارَى النَّسْ أَمِنْ مَكْرِهِمْ»؛ «مَنْ دَارَى أَضْدَادَهُ أَمِنْ الْمُحَارِبِ»: «هر کس با مردم مدارا کند از مکرشان در امان است» و «هر کس با دشمنانش مدارا کند از جنگ‌ها در امان است» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۱، صص ۳۵۹ و ۳۶۰).

انواع مدارای مذموم در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

۱. مدارا و مدهانه (سازشکاری) با عیب دوست و برادر: امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «شَرُّ اخوانِكَ مَنْ دَاهَنَكَ فِي نَفْسِكَ وَ سَاتَرَكَ عَيْبَكَ»: «بدترین برادر تو آن است که درباره نفس تو، با تو سازشکاری کند و عیب‌هایت را به تو نگوید» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵۴۶). همچنین، در بیان خصوصیات دوست خوب فرموده‌اند: «خَيْرُ الْاِخْوَانِ اَقْلُهُمْ مُصَانَعَةً فِي النَّصِيحَةِ»: «بهترین برادران کسی است که درباره خیرخواهی و نصیحت کمتر مدارا و چرب‌زبانی کند» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۶۷). همچنین، می‌فرماید: «اَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ اَنْ نَلْقَى اَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ»: «پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) به ما دستور دادند با گناهکاران با چهره‌های درهم برخورد کنیم» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۵۹).

۲. مدارا با گناه دیگران: از دیدگاه امام علی (علیه السلام) مؤمن نباید با گناه دیگران مدارا و انعطاف داشته باشد و خودشان هیچ‌گاه با گناه دیگران مدارا نکردند. نمونه‌هایی از عدم انعطاف‌پذیری ایشان آورده شده است؛ زمانی که حضرت تازه به حکومت رسیده بودند و کسانی مثل مغیره بن شعبه و ابن عباس پیشنهاد دادند که حضرت با معاویه مدارا کند و کاری به کارش نداشته باشد امام علی (علیه السلام) نپذیرفتند و فرمودند: به خدا قسم من در دین خود اهل مسامحه و سازش نیستم و در خلافتم به افراد ناصالح مقامی واگذار نمی‌کنم. مدارای امام علی (علیه السلام) با گروه خوارج تا زمانی ادامه یافت که این گروه دستشان به ظلم و گناه آلوده نشده بود، پس از ظلم و گناه آنها، حضرت مدارا را با اصل امر به معروف و نهی از منکر در تنافی دیدند و به مقابله برخاستند.

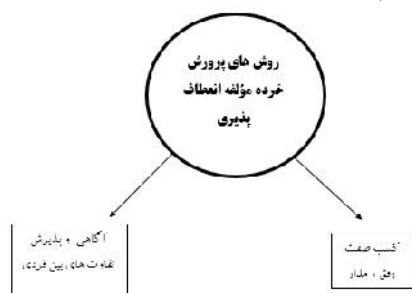
ب- شناخت و آگاهی و پذیرش تفاوت‌های بین فردی

اگر انسان از وجود تفاوت‌های جسمی و روحی انسان‌ها با یکدیگر آگاهی و شناخت داشته باشد و این تفاوت‌ها را بپذیرد، به راحتی می‌تواند در مقابل انسان‌های دیگر انعطاف داشته باشد. امام علی (علیه السلام) به تفاوت انسان‌ها اشاره کرده‌اند و می‌فرماید: «اِنَّ هَذِهِ الطَّبَائِعَ مُتَبَايِنَةٌ»: «ساختمان طبیعی و سرشت مردم از یکدیگر دور و با هم متفاوت است» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۲۲۰).

آگاهی از این مطلب سبب پذیرش و انعطاف‌پذیری انسان می‌شود. پذیرش اصل تفاوت بین انسان‌ها، یکی از مهم‌ترین راهکارهای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در یک جامعه است. متفاوت بودن و آزادی عقیده یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها است

و تا زمانی که عقاید و باورهای متفاوت یک فرد، منجر به توهین، سلطه و تحقیر باور دیگری نشده باشد، نمی‌توان وی را به عدم تسامح و تعصب رفتاری متهم کرد.

اختلاف در باور، عقیده و دیدگاه یکی از ویژگی‌های مشترک بین تمامی انسان‌ها است. انسان‌ها مجموعه‌ای از باورها، افکار، احساسات و رفتار هستند و این فکر است که احساس و رفتار ما را شکل می‌دهد و افرادی که فکر باز و انعطاف‌پذیری کافی در باورها و نگرش خود نداشته باشند و نتوانند به خودشناسی و انسان‌شناسی صحیح دست یابند، نمی‌توانند در برابر عقاید دیگران همزیستی مسالمت‌آمیز فکری داشته باشند. پذیرش اصل تفاوت، یکی از مهم‌ترین راهکارهای همزیستی مسالمت‌آمیز بین قومیت‌ها، فرقه‌ها و مذاهب مختلف یک جامعه است در صورتی که هر یک از افراد جامعه اصل تفاوت در انسان را به‌عنوان یک ویژگی ذاتی و درونی آنها بپذیرند می‌توان انتظار داشت افراد یک جامعه با وجود اختلاف سلیقه، احساسات، دیدگاه و نگرش‌های مختلف در صلح، آرامش و بدون هیچ‌گونه خشونت، درگیری‌های روحی، روانی و تعصب خاص زندگی کنند؛ در واقع، عدم درک اصل تفاوت‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل خشونت و اختلافات عقیده‌ای و مذهبی در جوامع سنتی به‌شمار می‌رود به‌طوری‌که در این جوامع افراد تصور می‌کنند با اعمال رفتارهای تحقیرآمیز همراه با خشونت می‌توان دیگری را وادار به پذیرش دیدگاه خاص کرد. زمانی ناسازگاری مطرح می‌شود که افراد قادر نباشند تفکر و رفتار خود را با محیط و تغییرات آن تطبیق دهند. سازگاری یا عدم سازگاری ارتباط نزدیکی با انعطاف‌پذیری دارد، یک شخصیت سالم با وجود ثبات و پایداری به میزانی از انعطاف‌پذیری بهره می‌برد. اما افراد ناسازگار در برخورد با موقعیت‌هایی که واکنش به آنها مستلزم تغییرات و تصمیمات جدید است، تفکر و رفتار انعطاف‌ناپذیری از خود بروز می‌دهند (اتکینسون^۱ و هیلگارد^۲، ۱۳۹۲).



شکل ۱. روش‌های پرورش خرده‌مؤلفه انعطاف‌پذیری در سنت و سیره امام علی (علیه‌السلام)

1. Atkinson.
2. Hilgard.

خرده‌مؤلفه حل مسئله در سنت و سیره امام علی (علیه‌السلام)

به نظر دزوریللا^۱ و نزو^۲ (۱۹۹۰؛ به نقل از دزوریللا، شیدی^۳، ۱۹۹۵) حل مسئله از دو مؤلفه عمده تشکیل شده است:

الف- جهت‌گیری به مسئله: جهت‌گیری به مسئله، مؤلفه انگیزشی توانایی حل مسئله را شکل می‌دهند. جهت‌گیری به مسئله، خود به دو مؤلفه تقسیم می‌شود، جهت‌گیری مثبت و جهت‌گیری منفی. افرادی که دارای جهت‌گیری مثبت به مسئله هستند، بدون اینکه دچار تنیدگی‌های روان‌شناختی شدید شوند مشکلات روزمره خود را به راحتی حل می‌کنند. این جهت‌گیری باعث استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر و کارآمد می‌شود. در صورتی که جهت‌گیری منفی به مسئله با راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد و پیامدهای ناخوشایند همراه است که چرخه‌وار جهت‌گیری منفی به مسئله را افزایش می‌دهد (نزو، دزوریللا، ۱۹۹۸؛ به نقل از لیوت^۴ و همکاران، ۱۹۹۵).

ب- مهارت حل مسئله: مؤلفه مهارت حل مسئله عبارت است از فعالیت‌های هدفمند خاص که فرد را قادر می‌کنند مشکل یا مسئله را با موفقیت به پایان رساند. این مؤلفه چهار فعالیت است که برخی مؤلفان به آنها مراحل حل مسئله گفته‌اند: ۱. تعریف و ضابطه‌مندی به مسئله؛ ۲. ایجاد راه حل‌های جانمایی؛ ۳. تصمیم‌گیری؛ ۴. انجام و تصریح راه حل، یعنی توانایی انجام، نظارت و ارزیابی راه حل‌ها و پاسخ‌های مقابله‌ای به طور مؤثر.

سراسر زندگی امام علی (علیه‌السلام) پر از فراز و نشیب‌ها و مشکلات و مسائل متعددی است که امام با جهت‌گیری مثبت درباره مسائل از پس همه آنها به خوبی برآمده‌اند و با آنها با بهترین راه حل به مقابله برخاسته‌اند. البته در بسیاری از موارد، امام به خوبی مشکلات را شناسایی می‌کردند و بهترین راه حل را ارائه می‌دادند ولی اطرافیان امام از ایشان پیروی نمی‌کردند. پس از درگذشت پیامبر، امام یگانه مرجع فکری و قضایی بودند، خلفا و یاران رسول خدا (صی‌الله و علیه و آله و سلم) در حل مشکلات، به امام علی (علیه‌السلام) روی می‌آوردند؛ زیرا به چشم خود دیدند پیامبر (صی‌الله و علیه و آله و سلم)، امام علی (علیه‌السلام) را داناترین امت به سنت‌های اسلامی و قوانین قضایی معرفی کردند و فرمودند: «أَعْلَمُ أُمَّتِي بِالسُّنَّةِ وَالْقَضَاءِ عَلِيٌّ ابْنُ أَبِيطَالِبٍ» (گنجی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۹۰). داناترین امت به سنت‌های اسلامی و قوانین قضایی، علی بن ابیطالب است.

1. D-zurilla.
2. Nezu, A. M.
3. Sheedy.
4. Eliot.

همچنین، فرمودند: «أنا مدينةُ العلمِ وعلیُّ بأبها فَمَنْ أَزَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا»: «من شهر علم هستم و علی درب آن است، هر کس بخواهد وارد شهر علم شود، از در آن باید وارد شود» (خطبه غدیر). امام علی (علیه السلام) نه تنها در دوران خلفا بهترین قاضی و یگانه داور به حق بودند، در دوران پیامبر گرامی نیز در یمن و مدینه مرجع قضایی مسلم اسلامی بوده و رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) داوری‌های او را می‌ستودند (سبحانی تبریزی، ۱۳۵۵: صص ۱۲ و ۱۳).

سکوت امام در دوران برکناری او از مقام خلافت که بیست و پنج سال به طول انجامید، سکوت مطلق به معنی دوری از هر نوع مداخله در امور رهبری نبود و ایشان مرجع فکری و یگانه معلم امت بودند. یکی از خدمات چشمگیر امام در این دوران رهبری دستگاه نویناد قضایی بود، هر موقع دستگاه قضایی، با مشکلی روبه‌رو می‌شد، فوراً مسئله را به امام ارجاع می‌داد و راه حل آن را خواستار می‌شد و گاهی خود امام بدون آنکه کسی به وی مراجعه کند، خلیفه وقت را که متصدی مقام داوری نیز بود، به اشتباه خود واقف می‌ساخت و با آنکه خلافت آنان را به رسمیت نمی‌شناخت با چهره باز به استقبال مشکلات می‌شتافت و همیشه بهترین راه حل‌ها را ارائه می‌داد و مشکلات و مسائل را به خوبی حل می‌کرد (سبحانی تبریزی، ۱۳۵۵: ص ۱۰).

امام علی (علیه السلام) همواره در برابر مسائل و مشکلات بهترین راه حل‌ها را اجرا می‌کردند، گاهی بهترین راه حل‌ها، جنگ و مبارزه با ستمکاران بود، مثل جنگ جمل و صفین و نهروان و گاهی بهترین راه حل‌ها سکوت بود، مانند سکوت امام، پس از درگذشت پیامبر (صی الله و علیه و آله و سلم). چراکه امام رهبر معنوی امت اسلام بودند و در رهبری‌های معنوی، هدف بالاتر از حفظ مقام و موقعیت است و رهبر برای این برانگیخته می‌شود که به هدف تحقق ببخشد و اگر روزی بر سر دوراهی قرار گرفت و ناچار شد که یکی را رها کند و دیگری را بگیرد، حتماً برای حفظ اصول و اساس هدف، باید از رهبری دست بردارد و هدف را مقدس‌تر از حفظ مقام خود و موقعیت رهبری خویش بشمارد. هدف از رهبری امام، پرورش نهالی بود که پیامبر گرامی (صی الله و علیه و آله و سلم) در سرزمین حجاز غرس کردند، تا نهال به مرور زمان به صورت یک درخت تنومند درآید، ولی در آن موقعیت جامعه بر اثر کوتاهی فکر در برابر رهبری امام موانع و مشکلاتی ایجاد کردند و هیچ‌گاه امام برای حفظ مقام و موقعیت خود، این نهال را از بین نبردند و تشخیص دادند که سکوت تنها راه حل این مسئله است.

روش‌های پرورش خرده‌مؤلفه حل مسئله در سنت و سیره امام علی (علیه‌السلام)

الف- تدبیر (فکرکردن و اندیشیدن) درباره مسئله

یکی از مراحل حل مسئله در سنت و سیره امام علی (علیه‌السلام)، تدبیر (فکرکردن و اندیشیدن) درباره یک مسئله است و این مرحله، سه مرحله تعریف و ضابطه‌مندی مسائل، رسیدن به راه حل‌های جانشین، و تصمیم‌گیری نظریه روان‌شناسان را دربر دارد و کامل‌تر از آن است. امام علی (علیه‌السلام) درباره اهمیت تفکر و اندیشه در حل مسائل می‌فرماید: «الفِکْرُ یَهْدِي إِلَى الرَّشَادِ»: «فکر و اندیشه به سوی راه درست هدایت می‌کند». همچنین، می‌فرماید: «الفِکْرُ یَقْبِدُ الْحِكْمَةَ»: «فکر، حکمت را برای انسان به ارمغان می‌آورد». نیز می‌فرماید: «الفِکْرُ جِلَاءُ الْعُقُولِ»: «فکر، جلاء‌دهنده عقل‌ها است»؛ «الفِکْرُ فِي الْأَمْرِ قَبْلَ مَلَابَسَةِ يَوْمِ الزَّلَلِ»: «اندیشه‌کردن و فکر در کار، پیش از دست‌زدن بدن، از لغزش ایمن می‌سازد» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، صص ۲۹۲-۲۹۱). همچنین، می‌فرماید: «لَيْسَتْ الرَّوْيَةُ كَالْمُعَايَنَةِ مَعَ الْأَبْصَارِ فَقَدْ تَكْذِبُ الْعَيْونُ أَهْلَهَا وَلَا يَعْشُ الْعَقْلُ مَنْ اسْتَنْصَحَهُ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۸۱): «اندیشیدن مانند دیدن با چشم نیست؛ زیرا گاهی چشم‌ها به بیننده دروغ می‌گویند، اما هرگز عقل به کسی که از آن نصیحت بخواهد خیانت نمی‌کند». در جایی دیگر می‌فرماید: «بِالْفِکْرِ تَنْجَلِي غِيَابِ الْأُمُورِ»: «تاریکی‌ها به وسیله فکر برطرف می‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷، ج ۲: ص ۲۹۳)؛ «عَلَيْكَ بِالْفِکْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ»: «بر تو باد به فکر و اندیشه که به راستی فکر و اندیشه راهیابی از گمراهی و اصلاح‌کننده کارها است» (آمدی، ۱۳۷۷، ج ۲: ص ۲۹۵). امام می‌فرماید: «الْعَقْلُ يُحْسِنُ الرَّوْيَةَ»: «عقل، فکر و اندیشه را نیکو می‌کند» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۴۰)؛ بنابراین، برای خوب اندیشیدن به نیروی عقل نیازمندیم پس باید راه‌های کسب نیروی عقل را در نظر بگیریم.

از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) عقل خصلتی است که به سبب علم و تجربه افزون می‌شود. امام در این باره می‌فرماید: «الْعَقْلُ غَرِيْبَةٌ تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۴۲). در جایی دیگر می‌فرماید: «الْعَقْلُ وَ الشَّهْوَةُ ضِدَّانٌ وَ مُؤَيِّدُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ وَ مُزَيِّنُ الشَّهْوَةِ الْهَوَى وَ النَّفْسُ مُتَنَازِعَةٌ بَيْنَهُمَا فَإِيْهُمَا قَهَرَ كَانَتْ فِي جَانِبِهِ» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۴۴). عقل و شهوت هر دو مخالف یکدیگرند، علم یاری‌دهنده عقل است و هوی و هوس آرایش‌دهنده شهوت، و نفس در این میان مورد نزاع این دو است و هرکدام غلبه کرد نفس در طرف او خواهد بود (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۴۱). به فرموده امام علی (علیه‌السلام) برای عاقل شدن باید به کسب علم پرداخت و از هوی و هوس‌ها دوری کرد.

امام علی (علیه السلام) چهار راه را برای فراگیری علم بیان می‌فرماید که عبارت‌اند از: تصور و فهم، سؤال و پرسش، یادگرفتن و آموختن و هم‌نشینی با دانشمندان. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «لِقَا حُ الْعِلْمِ التَّصَوُّرُ وَ الْفَهْمُ»: «بارورشدن علم به تصور (صورت آن را در ذهن آوردن و مجسم‌ساختن) و فهم آن است» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۸۰)؛ «مَنْ فَهَمَ عِلْمَ عَوَرَ الْعِلْمُ»: «کسی که بفهمد (و دارای فهم و درک صحیح باشد)، به نهایت علم و دانش می‌رسد» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۶۵)؛ «بِالتَّعَلُّمِ يُنَالِسُ الْعِلْمُ»: «به یادگرفتن و آموختن است که انسان به علم نائل می‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۷۲). در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ لَمْ يَعْلَمْ»: «کسی که تعلیم نکند و علم نیاموزد عالم نشود (یعنی بدون درس خواندن و فراگرفتن کسی عالم نمی‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۸۱). در مورد سؤال و پرسش می‌فرماید: «إِسْتَلَّ تَعَلَّمَ»: «سؤال کن تا بیاموزی» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۸۶). «مَنْ سَأَلَ عِلْمًا»: «کسی که سؤال کند دانا می‌شود» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۸۷). در مورد نقش هم‌نشینی با دانشمندان می‌فرماید: «جَالِسِ الْعُلَمَاءِ تَزِدُّ عِلْمًا» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۸۶). با دانشمندان هم‌نشین شو تا بر دانشت افزوده شود.

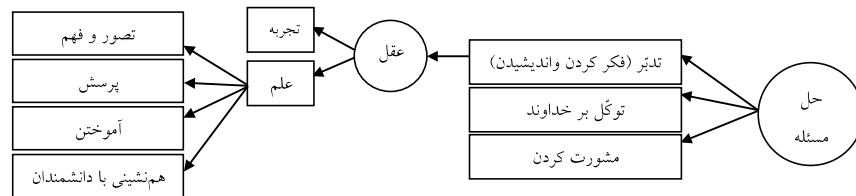
ب- توکل بر خداوند

یکی از مراحل حل مسئله در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) توکل بر خداوند متعال است، این مرحله در نظریه روان‌شناسان وجود ندارد. امام علی (علیه السلام) درباره نقش توکل در افزایش توانایی در حل مسئله می‌فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ أَضَاءَتْ لَهُ الشُّبُهَاتُ وَ كُفِيَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ أَمِنَ التَّيْبَعَاتِ»: «کسی که بر خدا توکل کند، تاریکی شبهات بر او روشن می‌شود و اسباب پیروزی او فراهم شود و از مشکلات رهایی یابد». (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۵۷۵). توکل بر خدا، هوش و قدرت تفکر را می‌افزاید و روشن‌بینی خاصی به انسان می‌دهد؛ زیرا قطع نظر از برکات معنوی این فضیلت، سبب می‌شود انسان در مشکلات دستپاچه و وحشت‌زده نشود و قدرت بر تصمیم‌گیری را حفظ کند و نزدیک‌ترین راه درمان و حل مشکل را بیابد. همچنین، می‌فرماید: «التَّوَكُّلُ حِصْنُ الْحِكْمَةِ»: «توکل قلعه حکمت و فرزاندگی است» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۵۷۲)؛ «بِحُسْنِ التَّوَكُّلِ يَسْتَدَلُّ عَلَى حُسْنِ الْإِقَابَةِ»: «توکل نیکو راهنمایی شود بر یقین نیکو» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۵۷۳).

ج- مشورت کردن

در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) مشورت کردن یکی از راه‌های رسیدن به بهترین راه حل‌ها است. این مرحله نیز در نظریه روان‌شناسان نیامده است. مشورت کردن دربرگیرنده هر چهار مرحله نظریه روان‌شناسان است. یعنی انسان می‌تواند با مشورت کردن با دیگران به تعریف و ضابطه‌بندی مسئله، رسیدن به راه حل‌های جانشینی، تصمیم‌گیری و انجام و تصریح راه حل، نظارت و ارزیابی راه حل‌ها و پاسخ‌های مقابله‌ای به‌طور مؤثر دست یابد. امام علی (علیه السلام) درباره مشورت می‌فرماید: «إِذَا أَمْضَيْتَ أَمْرًا فَأَمْضِهِ بَعْدَ الرَّوِيَّةِ وَ مُرَاجَعَةِ الْمَشُورَةِ وَلَا تُؤَخِّرْ عَمَلٌ يَوْمَ إِلَى غَدٍ وَ أَمْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ»: «پیش از آنکه تصمیم‌گیری اندیشه کن، پیش از آنکه اقدام کنی، مشاوره و رایزنی کن و پیش از آنکه ناگهان وارد کاری شوی تدبیر کن» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۲۹۳). همچنین، می‌فرماید: «وَلَا ظَهَرَ كَالْمُشَاوَرَةِ». «هیچ پشتیبانی چون مشورت کردن نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴). لزوم مشورت برای رسیدن به بهترین راه حل‌ها بر هیچ عقلی پوشیده نیست.

مهارت حل مسئله، توانایی سازگاری فرد را با محیط اطراف خویش، مشکلات فردی و بین فردی افزایش می‌دهد. دزوریل^۱ و شیدی^۲ (۱۹۹۵) راهبردهای حل مسئله را فرایند شناختی-رفتاری ابتکاری هر فرد می‌دانند که به‌وسیله آن، شخص راهبردهای مؤثر و سازگارانه مقابله‌ای برای حل مشکلات روزمره خود، تعیین، کشف یا ابداع می‌کند.



شکل ۲. روش‌های پرورش مؤلفه حل مسئله در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

خرده‌مؤلفه آزمون واقعیت در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

مؤلفه آزمون واقعیت، باران درباره توانایی دیدن واقعیت‌ها است. اما در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)، امام انسان را علاوه بر واقعیت‌ها به حقیقت‌ها نیز رهنمود می‌کنند. امام علی

1. Dzurilla, T.J.

2. Sheedy, C.F.

(علیه السلام) توانایی بسیار بالایی در دیدن و شناسایی حقیقت‌ها و واقعیت‌ها دارند و این مطلب در جای جای زندگانی گهربارشان به وضوح می‌درخشد که چند نمونه از آن آورده شده است: حضرت درباره سیاست شیطانی قرآن بر سر نیزه کردن می‌فرماید: «هذا امرٌ ظاهرٌ ایمانٌ و باطنُهُ عُدوانٌ و أوْلُهُ رَحْمَةٌ و آخِرُهُ نَدَامَةٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲): «ظاهر این امر، ایمان و باطنش دشمنی با خدا است، آغازش رحمت و پایانش پشیمانی است». امام به خوبی پی برده‌اند که بر سر نیزه کردن قرآن‌ها یک حقیقت نیست بلکه واقعیت این امر یک نیرنگ شیطانی برای فریب دادن مسلمانان است.

امام علی (علیه السلام) در معرفی طلحه و زبیر و رفتارشان می‌فرماید: «إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي، مَا لَبَسْتُ وَلَا لَيْسَ عَلَيَّ وَ إِنِّهَا لَلْفِتْنَةُ الْبَاغِيَةُ فِيهَا الْحَمَأُ وَالْحَمَّةُ وَ الشُّبُهَةُ الْمُغْدِفَةُ وَإِنَّ الْأَمْرَ لَوَاضِحٌ وَقَدْ زَاغَ الْبَاطِلُ عَنْ نِصَابِهِ وَ انْقَطَعَ لِسَانُهُ عَنْ شَعْبِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷): «من به کار و راه خود بصیرت کامل دارم، نه کار را بر کسی مشتبه کردم و نه کسی توانست آن را بر من مشتبه کند، اینان همان قوم ستمکارند و کارشان شبهه‌افکنند است، قطعاً حقیقت مطلب روشن است و درخت باطل از ریشه برکنده و زبانش بریده شده است». حضرت به بیان توانایی خویش در تشخیص واقعیت‌ها و حقیقت‌ها می‌پردازند و می‌فرمایند: من نه حقایق را با بطلان به هم می‌آمیزم که دیگران را منحرف کنم و نه خودم دچار انحراف در تشخیص حق و باطل می‌شوم. اما طلحه و زبیر این چنین‌اند و کارشان تحریف واقعیت‌ها است.

امام درباره علل سقوط و انهدام امت می‌فرماید: «وَقَدْ تَرَوْنَ عُهُودَ اللَّهِ مَنقُوصَةً فَلَا تَغْضَبُونَ!... يَعْمَلُونَ بِالشُّبُهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶): «اینک می‌بینید که عهدهای خدا را می‌شکنند و به خشم نمی‌آید! در حالی که آنان به شبهه‌ها عمل می‌کنند و در شهوت‌ها راه می‌سپارند». امام (علیه السلام) با توانایی بسیار بالایی به‌درستی و به‌سرعت حقیقت را از باطل و تحریف حقیقت تشخیص می‌دهند و به مردم می‌فرمایند: ای مردم از عوامل سقوط امت‌ها عمل کردن به شبهه‌ها و تحریف حقایق است و بدین وسیله مردم را از افتادن در شبهه‌ها انداز می‌دهند.

پس از قتل عثمان وقتی مردم خواستند با امام (علیه السلام) بیعت کنند، در علل نپذیرفتن خلافت فرمودند: مرا واگذارید و دیگری را بجوید. زیرا ما به استقبال حادثه‌ای می‌رویم که چهره‌ها و رنگ‌های گوناگون دارد، رویدادی است که دل‌ها بر آن نمی‌ایستند و عقل‌ها بر آن پایدار نمی‌ماند. آفاق حقیقت را (در دوره خلفای گذشته) ابر سیاه پوشانده و راه مستقیم، ناشناخته مانده و منکر دانسته شده است (نهج البلاغه، خطبه ۹۲). امام مردم را درباره اینکه در دوران خلفای گذشته

وقایعی اتفاق افتاده که این وقایع همانند ابر سیاه جلوی واقعیت‌ها و حقیقت‌ها را گرفته است و حقایق ناشناخته مانده است آگاه می‌کنند. این سخنان امام، آشکارکننده قدرت میزان انطباق دادن ایشان بین واقعیت و حقیقت با وقایع است.

امام در جایی دیگر می‌فرماید: «الَا إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ جِزْبُهُ وَاسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَرَجَلَهُ وَإِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي وَلَا لُبْسَ عَلَيَّ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰): «آگاه باشید که شیطان حزبش را جمع کرده و افراد سواره و پیاده خود را حاضر آورده، بی تردید من بصیرتم را با خود دارم و هرگز حقیقت را بر خود مشتبه نساختم و کسی نیز آن را بر من مشتبه نکرد». امام (علیه السلام) به بیان توانایی خویش در تشخیص حق و باطل و سنجش بالای میزان تطبیق بین آنچه تجربه کرده‌اند و آنچه واقعاً وجود دارد می‌پردازند.

راه‌های رسیدن به حقیقت و واقعیت در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

- لزوم ضرورت تلاش و کوشش مداوم برای رسیدن به حق: از دیدگاه امام علی (علیه السلام) تنها افرادی به حقیقت دست می‌یابند که در راه رسیدن به آن از هیچ کوششی دریغ نورزند. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «وَلَا يَدْرِكُ الْحَقَّ إِلَّا بِالْجِدِّ»: «جز با تلاش و کوشش نمی‌توان به حق رسید» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۴۱). بنابر فرمایش گهربار امام علی (علیه السلام) تلاش و کوشش مداوم برای رسیدن به حقیقت انسان را به نتیجه می‌رساند.

- لزوم صبر و استقامت و تحمل مشکلات برای رسیدن به حق: شناسایی حقیقت و معرفی و مطرح کردن آن مشکلات فراوانی در پی دارد. از نظر امام علی (علیه السلام) باید همه این مشکلات را به جان خرید و در دفاع از حقیقت به استقبال شکنجه‌ها و تبعیدشدن‌ها و مهاجرت‌ها و دفاع و جهاد و اسارت و زندان و شهادت رفت. زیرا به فرموده امام باطل فراوان و حق اندک است و طرفداران حق خوار و ذلیل‌اند. امام می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْكُمْ فِي زَمَانٍ الْقَائِلُ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ وَاللِّسَانُ عَنِ صَدَقٍ كَلِيلٌ وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳).

- پیروی از اولیای خدا و اهل بیت پیامبر و تکیه نکردن بر نادانی خویش و پیروی نکردن از هوای نفس: از دیدگاه امام علی (علیه السلام) انسان با پیروی از اولیای الهی می‌تواند به حقیقت دست یابد، در این باره می‌فرماید: «شبهه‌ها را از این‌رو شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد اما اولیای خدا چراغشان در فضای شبهه‌ناک یقین است و راهنمایی‌شان خود راه هدایت است و اما دشمنان خدا در شبهه‌ها به ضلالت فرا می‌خوانند و راهنمایی‌شان کوری است» (نهج البلاغه، خطبه ۳۸). از دیدگاه امام (علیه السلام) راه رسیدن به حقیقت پیروی از اولیای خدا است. همچنین،

می‌فرمایند: «ای مردم! از شعله چراغ آن پنددهنده‌ای که خود پندپذیر است روشنایی بگیرید، و از آن چشمه زلالی که تیره و گل‌آلود نشده برای خود آب بگیرید. ای بندگان خدا! بر نادانی خویش تکیه نکنید و فرمانبردار هوای نفس خویش نشوید، زیرا هرکه بر نادانی خویش تکیه زد و پیرو هوای نفس شد بر لبه پرتگاه هلاکت نشسته است. چنین کسی بار هلاکت خویش را بر دوش گرفته از جایی به جای دیگر می‌برد، زیرا هر بار اندیشه باطل تازه‌ای پدید می‌آورد و می‌خواهد آنچه را نمی‌چسبد بچسباند، و آنچه را نزدیک نمی‌شود نزدیک سازد!» (نهج البلاغه، خطبه ۱). در جایی دیگر در بیان پیروی از خودشان برای رسیدن به حقیقت می‌فرمایند: «این مذاهب شما را به کجا می‌برند! تا کی تاریکی‌های ضلالت شما را متحیر می‌کند و وعده‌های دروغ شما را می‌فریبد این مصیبت از کدامین سو بر سر شما می‌آید و به کدامین قصد از صراط مستقیم منحرف می‌شوید؟ بدانید هر زمانی را سرنوشتی و هر غیبتی را بازگشتی است. پس از عالم ربّانی که در میان شما است بشنوید، و دل‌های خود را به حضور برید و اگر شما را خواند بیدار شوید. هر طلایه‌داری باید به مردمش راست بگوید و پراکنده‌خاطری را از خود بزدايد و ذهنش را مهیا کند. او حقیقت امر را برای شما همچون مهره شکافت و مانند گرفتن صمغ از درخت از آن فرو نگذارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸). منظور امام از عالم ربّانی در اینجا خودشان هستند که حقیقت امر را برای مردم همچون مهره می‌شکافند. بنابر فرمایش گران‌بهای امام علی (علیه‌السلام) پیروی از اولیای الهی و اهل بیت پیامبر و پیروی نکردن از نادانی خویش و هوس انسان‌ها را به حقایق و واقعیت‌های عالم هستی می‌رساند و انسان دانا به حقایق سازگار می‌شود.

- عبرت از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت قیامت و تقوای الهی: از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) اگر کسی از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت‌های قیامت عبرت گیرد به حقیقت دست می‌یابد. امام در این باره می‌فرماید: «کسی که حوادث عبرت‌آموز عقوبت‌هایی را که در پیش دارد، برایش روشن سازد، تقوا نمی‌گذارد که در شبهه‌ها فرو افتد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶). بنابر فرمایش گران‌بهای امام علی (علیه‌السلام) عبرت از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت قیامت سبب کسب ملکه تقوا شده و تقوا انسان را به حقایق و واقعیت‌ها رهنمون می‌کند و کسی که به حقایق عالم دست یابد بهتر می‌تواند در برابر مشکلات فردی و همچنین در روابط بین فردی با دیگران سازگاری داشته باشد.

- لزوم پرهیز از خیال‌بافی و داشتن برهان از پروردگار و یا حجتی آشکار: امام علی (علیه‌السلام) یکی از راه‌های رسیدن به حقیقت‌ها و واقعیت‌ها را پرهیز از خیالات احمقانه و داشتن حجّت آشکار معرفی می‌کند و در هشدار به اهل نهروان و در تلاش برای هدایت ایشان به سوی حقیقت می‌فرماید: «من شما را هشدار می‌دهم از اینکه فردا در اطراف این رود و در میان این بیابان پست

بر روی خاک افتاده باشید، بی آنکه برهانی از پروردگارتان و یا حجتی آشکار به همراه داشته باشید، شما به راستی مردمی سبک مغز، سفیه و غرق در خیالات احمقانه‌اید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۶). امام (علیه السلام) خوارج را به واقع‌نگری و پرهیز از خیال‌بافی دعوت می‌کنند و راه رسیدن به واقعیت را به همراه داشتن برهان از سوی پروردگار یا داشتن حجتی آشکار معرفی می‌کنند.

- آگاهی از ماهیت فتنه‌ها و لزوم بصیرت در مقابله با فتنه: از دیدگاه امام علی (علیه السلام) انسان باید ماهیت فتنه‌ها را بشناسد و در برابر آنها بصیرت داشته باشد تا به حقیقت دست یابد، ایشان درباره ماهیت فتنه‌ها می‌فرمایند: «هنگامی که فتنه‌ها روی می‌آورند شبیه حق (و موجب اشتباه) هستند و آنگاه که می‌روند و (پایان می‌یابند) هشیار می‌کنند و (حقیقت خود را می‌نمایانند). فتنه‌ها ناشناخته شده می‌روند. مانند گردباد می‌چرخند و شهری را ویران می‌کنند و شهری را و می‌گذارند» (نهج البلاغه، خطبه ۹۳). امام با آگاهی دادن از ماهیت فتنه‌ها، و مورد توجه قرار دادن انسان درباره لزوم داشتن بصیرت در مقابله با آنها، مردم را به سوی رسیدن به حقیقت راهنمایی می‌کنند.

در جای دیگری درباره لزوم بصیرت می‌فرمایند: «حقایق پوشیده برای اهل بصیرت آشکار شده و راه حق برای اشتباه‌کنندگان نمایان شده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷).

- پرهیز از دنیا: امام در لزوم پرهیز از دنیا برای رسیدن به حقیقت می‌فرمایند: «شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا جایگاهی است برای کوچ کردن و نه خانه‌ای برای اقامت گزیدن. خود را به امور فریبنده آراسته و مردمان را با زیور فریفته» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳). امام ماهیت دنیا را فریبنده معرفی می‌کنند که انسان را با زیورهایش می‌فریبد و او را از حقایق دور می‌کند.

- لزوم پرهیز از حجاب‌های پندار این عالم: علت عدم مشاهده حق در دنیا، حجاب پندار است. در این عالم حس و محسوسات، افکاری بر انسان غالب می‌شود. غرایز انسان که از حال تعادل خارج می‌شود مانند شهوت و غضب و وهم، او را در عالمی از پندار فرو می‌برد که بین او و ادراک حقیقت فاصله می‌اندازد و این پندار مخالف با واقع است. این پندارها، او را از عالم است که برخلاف اصالت واقع در او پدید آمده بود و وجه خلقی دارد، و آن حقایق راجع به آن عالم است که وجه الهی دارد (حسینی طهرانی، ۱۳۶۱: ج ۵، قسمت ۴). انسان اسیر توهمات و ناهشیار به ناهشیاری‌اش و حقیقت‌پنداری توهماتش است. ۹۹ درصد افراد اسیر توهمات خودشان هستند که تا آخر عمرشان ادامه پیدا می‌کند و به همین شکل از دنیا می‌روند و اقلیتی بسیار اندک پرده‌های تاریک توهمات را به کناری زده و به اشراق و روشن‌بینی و بصیرت رسیده و اینان عاقل، بینا و آزاد از توهمات هستند. مغز و ذهن دوگانه انسان تمایل ناهشیارانه و شدیداً اتوماتیک دارد که به کرات دچار ویروس گرفتگی و اشتباهات شناختی شود که صاحبش را به گرداب‌های عظیم ناشی از این

نوع خطاهای شناختی می‌اندازد و برای درمان و حذف این نوع اشتباهات شناختی، ما ساکنان زمین باید به منبع شادی و مهر و محبت و عشق (خالق) که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است توجه کنیم نه به موجودات مادی بیمار و اسیر توهماتشان؛ زیرا همه چیزهایی که دیده می‌شوند هیچ‌اند در حالی که آنکه دیده نمی‌شود همه چیز است. پس ما انسان‌ها باید به آن نادیدنی مستمراً نگاه کنیم که دیدنی‌ها در مقایسه با آن نادیدنی اصالتی ندارند (ناظم، ۱۳۸۷). امام علی (علیه السلام) نیز راجع به پندارهای باطل این دنیا می‌فرماید: «بدانید فردا به امروز نزدیک است... گویی نفخه صور برایتان فرا رسیده و قیامت شما را فرا گرفته و برای قضاوت و حسابرسی از گور بیرون آمده‌اید، در حالی که پندارهای باطل از شما دور شده، و بهانه‌هایتان از میان رفته، و حقایق برایتان آشکار گشته و کارهایتان شما را به آنجا که باید، برده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). امام علی (علیه السلام) در این بیان می‌فرماید که در هنگام قیامت پندارهای باطل دنیا از شما دور می‌شود و حقایق برایتان آشکار می‌شود.

امام علی (علیه السلام) برای دور شدن از پندارهای باطل و حجاب‌های پنهان این عالم راه‌هایی را پیش روی انسان قرار می‌دهند که عبارت‌اند از: الف) دعوت مردم به تقوای الهی و اطاعت از پروردگار؛ ب) پشت کردن به دنیا؛ ج) مهار نفس و شهوت‌ها؛ د) نگرستن به امور با دیده عقل. امام در این باره می‌فرماید: «بندگان خدا! شما را به تقوای الهی و اطاعت او سفارش می‌کنم که سبب نجات در فردای قیامت است... دنیا نزدیک‌ترین خانه به خشم خدا و دورترین آن از خشودی خداوند است، پس ای بندگان خدا! از غصه‌ها و سرگرمی‌های آن چشم پوشید... ای بندگان خدا! پرهیزید همچون کسی که بر نفس خویش چیره گشته و شهوتش را باز داشته و با دیده عقل در امور می‌نگرد، زیرا حقیقت آشکار است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱). امام در این خطبه می‌فرماید: «اگر تقوا پیشه کنید و خدا را اطاعت کنید و به دنیا پشت کنید و نفس و شهوت خویش را مهار کنید و به امور عاقلانه بنگرید حقیقت آشکار است...» ه) درخواست از خداوند: خود امام برای رهایی از پندارهای باطل دست به دعا برداشته‌اند و می‌فرمایند: «اللهم ارنی الاشیاء كما هی»: «ای خدای من، حقیقت اشیا و موجودات را همان‌طور که هست بنما و نشان بده» (بخشی از دعایی است که سید علی قاضی و صاحب بحر العلوم از امام علی نقل کرده‌اند).

- پرهیز از غفلت از خود: امام می‌فرماید: «بندگان خدا! روزگار همان‌گونه که بر پیشینیان گذشت بر بقیه نیز می‌گذرد. آنچه رفته بازنگردد و آنچه هست برای همیشه باقی نمی‌ماند، در آخر همان‌گونه عمل می‌کند که در آغاز کرد. حوادث از یکدیگر پیشی گرفته در می‌رسد و پرچم‌هایش پشت در پشت هم قرار دارد. گویا در قیامت حاضر شده‌اید و چون ساربانانی که شترهای آب‌کش را

می‌راند، قیامت نیز شما را می‌راند، پس هرکس از خود غافل شود و به چیز دیگری پردازد در تاریکی متحیر و سرگردان و در مهلکه‌ها گرفتار شود و شیطان‌هایش او را به سرکشی وادارند و کارهای بدش را در نظرش بیاریند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). امام به انسان راجع به دور شدن از حقیقت هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: اگر ای انسان از خودت و از قیامت غفلت کنی و به چیز دیگری به جز توشه برگرفتن برای قیامت پردازی، در تاریکی‌ها متحیر و سرگردان می‌شوی و شیطان‌هایت تو را به سرکشی وادارند و کارهای بدت را در نظرت زیبا جلوه می‌دهند، پس غفلت از آخرت سبب سرگردانی می‌شود و حیرت و سرگردانی علت فریفته شدن توسط شیطان است و شیطان انسان را از واقعیت‌ها و حقیقت‌ها دور می‌کند؛ بنابراین، انسانی که از حقیقت خویش و توشه برگرفتن برای قیامت غفلت کند، توسط شیطان فریفته می‌شود و از حقایق دور می‌شود و انسان دور شده از حقایق (ارزش و کرامت انسانی و قیامت) در برابر مشکلات این دنیا سازگاری کمتری دارد و همچنین، در برابر انسان‌های دیگر، به سبب فراموشی قیامت و کرامت نفسانی خویش، نمی‌تواند سازگاری داشته باشد؛ چراکه چنین فردی فقط این دنیا برایش با اهمیت است.

- پرهیز از خودفریبی: امام علی (علیه‌السلام) خودفریبی را مانعی برای رسیدن به حقیقت‌ها می‌داند و نمونه‌ای از خودفریبی را بیان می‌کنند. از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) عجب و خودبینی، سبب خودفریبی انسان می‌شود و او را از حقایق دور می‌کند؛ زیرا انسان خودپسند و خودبین خود را در حدّ اعلاّی کمال می‌داند و همین مسئله سبب فریب خویشتن می‌شود و از حقایق دورش می‌کند به همین علت امام علی (علیه‌السلام) عجب را زبان‌بارترین همراه و قرین انسان معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «العجبُ أضْرُ قرین» (آمدی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۷۸) و عجب را سبب تباهی عقل معرفی می‌کنند: «العجبُ یفسدُ العقل»: «خودبینی عقل را تباه می‌کند» (همان: ص ۷۸). همچنین، می‌فرمایند: «الأعجابُ ضدُّ الصّواب»: «خودپسندی ضد درستی و صواب و مخالف آن است» (همان: ص ۷۸). این موضوع در روان‌شناسی نیز مطرح شده است و دیدن پدیده‌ها آن‌گونه که نیستند، گستره خودفریبی نامیده می‌شود. انسان خودپسند و خودبین دچار خودفریبی شده و از حقایق و واقعیت‌های خود و اطرافش دور شده است و در برابر مشکلات محیط و افراد دیگر نمی‌تواند سازگار باشد.

طبق مدل هوش هیجانی بار-ان داشتن مهارت آزمون واقعیت سبب سازگاری فرد با دیگران و شرایط و مشکلات مختلف می‌شود. آزمون واقعیت یعنی توانایی انطباق بین آنچه فرد تجربه کرده و آنچه واقعاً وجود دارد، تلاش برای فهم امور به‌طور صحیح و تجربه رویدادها آن‌گونه که واقعاً هستند بدون خیال‌پردازی (بار-ان، ۲۰۰۶). سنت و سیره امام علی (علیه‌السلام) علاوه بر توانایی

در دیدن واقعیت‌ها، انسان را به توانایی در کشف و دیدن حقیقت‌ها نیز رهنمون می‌کند؛ بنابراین، طبق سنت و سیره امام علی (علیه السلام) توانایی در دیدن حقیقت‌ها و واقعیت‌ها انسان را سازگار می‌کند.

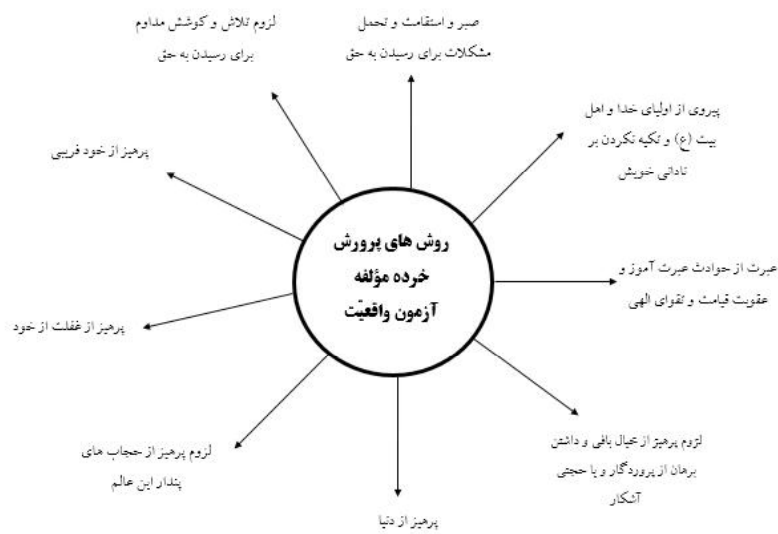
نتیجه‌گیری

خرده‌مؤلفه انعطاف‌پذیری در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) بررسی شد. روش‌های پرورش خرده‌مؤلفه انعطاف‌پذیری در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)، کسب صفت رفت و مدارا و آگاهی، شناخت و پذیرش تفاوت‌های بین فردی است. در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) رفت و مدارا با مردم و با نفس به هنگام عبادت مستحبی ممدوح است ولی مدارا با عیب دوست و برادر و گناه دیگران مذموم و ناپسند است. طبق مؤلفه انعطاف‌پذیری مدل بار-ان، انسان باید در همه شرایط انعطاف‌پذیر باشد در حالی که طبق سنت و سیره امام علی (علیه السلام) نباید همه‌جا انعطاف‌پذیر بود. از منظر ایشان اصل مدارا تا جایی روا است که مستلزم ارتکاب به حرام یا اخلال به اصول امر به معروف و نهی از منکر نباشد و عامل انعطاف‌پذیری، عقاید و اصول اسلام را در بر نگیرد و هنگام ظلم و گناه و تجاوز به حقوق دیگران نباشد که در این صورت، انعطاف‌پذیری مذموم و ناپسند است و مداهنه نامیده می‌شود.

خرده‌مؤلفه حل مسئله، در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) بررسی شد. توانایی امام علی (علیه السلام) در خرده‌مؤلفه حل مسئله در سراسر زندگانی گهربارشان چه در هنگام زندگانی پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم)، چه در دوران خلفای راشدین و چه در هنگام خلافتشان به وضوح آشکار است. امام علی (علیه السلام) در همه مراحل زندگی، مشکلات را به خوبی شناسایی می‌کردند و بهترین راه حل‌ها را ارائه می‌دادند. روش‌های پرورش این خرده‌مؤلفه از دیدگاه امام علی (علیه السلام) عبارت‌اند از: فکر و اندیشه درباره مسئله؛ توکل بر خداوند و مشورت‌کردن با افراد واجد شرایط.

خرده‌مؤلفه آزمون واقعیت در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) بررسی شد. این خرده‌مؤلفه درباره توانایی دیدن واقعیت‌ها است، ولی امام علی (علیه السلام) توانایی بسیار بالایی در شناسایی و تشخیص واقعیت‌ها و حقیقت‌ها دارند و انسان را علاوه بر واقعیت‌ها، به حقیقت‌ها نیز رهنمود می‌کنند. روش‌های پرورش توانایی در شناسایی حقایق و واقعیت‌ها در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) عبارت‌اند از: لزوم ضرورت و کوشش مداوم برای رسیدن به حقیقت؛ لزوم صبر و استقامت و تحمل مشکلات برای رسیدن به حقیقت؛ عبرت از حوادث عبرت‌آموز و عقوبت

قیامت و تقوای الهی؛ لزوم پرهیز از خیال‌بافی و داشتن برهان از پروردگار و یا حجّی آشکار؛ لزوم پیروی از اولیای خدا و اهل بیت پیامبر و تکبیه‌نکردن بر نادانی خویش و پیروی‌نکردن از هوای نفس؛ لزوم پرهیز از دنیا و حجاب‌های پندار این عالم و غفلت از خود و خودفریبی؛ بنابراین، هر سه خرده‌مؤلفه‌سازی مدل هوش هیجانی بار-ان با در نظر گرفتن برخی شروط مورد تأیید امام علی (علیه‌السلام) است.



شکل ۳. روش‌های پرورش مؤلفه‌سازی آزمون واقعیت در سنت و سیره امام علی (علیه‌السلام)

جدول ۱. مؤلفه سازگاری مدل هوش هیجانی بار-ان در سنت و سیره امام علی (علیه السلام)

مؤلفه	مدل بار-ان		امام علی (علیه السلام)
	خرده مؤلفه	تعریف	
سازگاری	آزمون واقعیت	سنجش میزان انطباق بین آنچه فرد تجربه کرده و آنچه واقعاً وجود دارد، تلاش برای فهم امور به طور صحیح و تجربه رویدادها آن گونه که واقعاً وجود دارد، تلاش برای فهم امور به طور صحیح و تجربه رویدادها آن گونه که واقعاً هستند بدون خیال پردازی.	مؤلفه آزمون واقعیت بار-ان، توانایی دیدن واقعیت‌ها است، ولی امام علی (علیه السلام) توانایی بسیار بالایی در شناسایی و تشخیص واقعیت‌ها و حقیقت‌ها دارند و انسان را علاوه بر واقعیت‌ها، به حقیقت‌ها نیز رهنمود می‌سازند.
	انعطاف‌پذیری	توانایی منطبق کردن عواطف، افکار و رفتار در موقعیت‌ها و شرایط دائماً در حال تغییر.	امام علی (علیه السلام) انعطاف‌پذیر بودند و مردم را به انعطاف‌پذیری دعوت کرده‌اند با این شرط که انعطاف‌پذیری، وادادگی و عقب‌نشینی از اصول و عقاید نباشد. روش‌های پرورش مؤلفه انعطاف‌پذیری، در سنت و سیره امام، کسب صفت رفق و مدارا و آگاهی، پذیرش و شناخت تفاوت‌های بین فردی است. رفق و مدارا به دو دسته ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود، مدارا با نفس و مردم ممدوح است و سازگاری با عیب دوست و برادر و گناه دیگران مذموم است.
	حل مسئله	توانایی شناسایی و تعریف مشکلات، داشتن کفایت و انگیزه برای مقابله مؤثر با آن، تعیین راه حل‌های مختلف مسئله تصمیم‌گیری و انجام یکی از راه حل‌ها.	امام علی (علیه السلام)، همواره در برابر مشکلات بهترین راه حل‌ها را اجرا می‌کردند. در سنت و سیره امام علی (علیه السلام) روش‌های پرورش مهارت حل مسئله آمده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. ۱۳۸۷. ترجمه علی شیروانی.
۳. آمدی، عبد الواحد. ۱۳۷۷. غررالحکم و دررالکلم. شرح و ترجمه هاشم رسولی محلاتی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. ۱۳۸۸. ترجمه و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی. ترجمه غلامرضا لایقی. تهران. کتاب نیستان.
۵. اتکینسون و هیلگارد. ۱۳۹۲. زمیئه روان شناسی. ترجمه محسن ارجمند و حسن رفیعی. تهران. انتشارات ارجمند.
۶. امین، محسن. ۱۳۷۳. سیره معصومان، امام علی (علیه السلام). دوران خلافت. ترجمه علی حجتی کرمانی. بی جا. ج ۲. انتشارات سروش.
۷. بمانعی منگابادی، دهقان؛ غلامیان، محسن. ۱۳۹۱. «انعطاف پذیری احکام شریعت اسلامی از دیدگاه قرآن و احادیث نبوی». لسان صدق. شماره ۲. صص ۵۴-۲۹.
۸. تسخیری، محمدعلی. ۱۳۹۲. «تجدید در اندیشه اسلامی و انعطاف پذیری در شرع». پژوهشگاه جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. پرتال جامع علوم انسانی و علوم اسلامی.
۹. ثابتی، فهیمه؛ شهنی بیلاق، منیژه. ۱۳۷۷. «تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی در کاهش ناسازگاری های اجتماعی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی اهواز». مجله علوم تربیتی و روان شناسی. شماره ۳ و ۴. ص ۱.
۱۰. جعفری، یعقوب. ۱۳۶۸. «خوارج در گذرگاه تاریخ ۴: علی و خوارج». نشریه فلسفه و کلام. درس هایی از مکتب اسلام. سال ۲۹. شماره ۱۱. صص ۳۸-۴۵.
۱۱. حجازی، سارا؛ امیری، شعله؛ محمدیان، احمدیار؛ ملک پور، مختار. ۱۳۸۵. «بررسی اثربخشی آموزش گروهی حل مسئله بر میزان سازگاری اجتماعی زنان مبتلا به اختلالات خلقی دو قطبی». دوفصلنامه تحقیقات علوم رفتاری. دوره ۴. شماره ۱ و ۲. صص ۵۸-۵۲.
۱۲. حسینی تهرانی، هاشم. ۱۳۶۱. عقاید الانسان. بی جا. نشر هاشم حسینی تهرانی.
۱۳. خوانساری، جمال. ۱۳۵۹. شرح غررالحکم و غررالحکم. تهران. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۳۵۵. «فرازهایی حساس از زندگانی امیر مؤمنان: امام یگانه مرجع فکری و رهبر قضائی بود». مجله درس هایی از مکتب اسلام. سال ۱۷. شماره ۱۱. صص ۱۶-۱۰.
۱۵. _____ . ۱۳۶۷. «جنگ جمل: علی در سرزمین خاطره ها ریژه». نشریه درس هایی از مکتب اسلام. سال ۲۸. شماره ۱. صص ۲۶-۲۰.
۱۶. شاملی، نصرالله. ۱۳۹۱. معناشناسی واژه های اخلاقی نهج البلاغه. اصفهان. حوزه علمیه قم و دفتر تبلیغات اسلامی. شعبه استان اصفهان.
۱۷. عالم زاده، محمد. ۱۳۹۱. به کجا و چگونه؟ نیم نگاهی به آرمان کمال و راه رسیدن به آن. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۸. علاء الدین علی بن حسام معروف به متقی هندی. ۱۳۷۴. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت. ضبطه و فسر غریبه الشیخ بکری حیانی.
۱۹. فرهودیان، علی. ۱۳۸۴. «انعطاف پذیری سازگاری و نشانه های روان پزشکی». تازه های علوم شناختی. سال هفتم. شماره ۲۵. صص ۷۵-۷۴.
۲۰. فولادی، عزت اله. ۱۳۸۳. مشاوره همتایان؛ چشم اندازها، مفاهیم بهداشت روان و مهارت ها. چاپ سوم. تهران. انتشارات طلوع دانش.
۲۱. گنجی، محمدبن یوسف. ۱۴۰۴ق. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام. محقق محمدهادی امینی. تهران. انتشارات دار احیاء تراث اهل البیت علیهم السلام.

۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۸۸. **فروع کافی**. ترجمه گروه مترجمان. قم. انتشارات قدس.
۲۳. لثی واسطی، علی بن محمد. ۱۳۷۶. **عیون الحکم و المواعظ**. محقق حسین حسینی بیرجندی. قم. مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.
۲۴. محفوظی، محمد صمد؛ جان بزرگی، منصور. ۱۳۷۷. **بررسی رابطه سلسله مراتب ارزش ها و سلامت روانی**. تهران. مؤسسه پژوهشی ابن سینا.
۲۵. **خطبه غدیر**. ترجمه حسین حسینی. ۱۳۸۴. چاپ هفتم. نشر زادنکار.
۲۶. منتظری، حسینعلی. ۱۳۶۲. «درس‌هایی از نهج البلاغه (خطبه سی و یکم) سرسختی طلحه و انعطاف‌پذیری زبیر». فلسفه و کلام: پاسدار اسلام. شماره ۲۱. صص ۸-۶.
۲۷. منتظری مقدم، حامد. ۱۳۸۱. «روابط امام علی (علیه السلام) و معاویه (از خلافت تا جنگ صفین)». معرفت. شماره ۵۲. صص ۴۲-۵۵.
۲۸. ناظم، ناصر. ۱۳۸۷. «چند دفعه بخوانید ولی به راحتی باور نکنید: انسان اسیر توهمات و ناهشیار، ناهشیاری‌اش و حقیقت‌پنداری توهماتش و تزریق توهمات به دیگران». ادبیات و زبان‌ها. شماره ۵۷. صص ۶۰-۶۳.
۲۹. نراقی، محمد مهدی. ۱۴۲۲ق. **جامع السعادات**. بیروت. الاعلمی.
۳۰. نصرین مزاحم منقری. ۱۳۸۶. **پیکار صفین، تصحیح و شرح عبدالسلام محمدهارون**. ترجمه پرویز اتابکی. بی‌جا. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۱. نوری امام زاده ای، اصغر (۱۳۸۸). **هوش عاطفی در محیط کار**. اصفهان: نشر نوشته.
۳۲. نیلی پور، مهدی. ۱۳۸۵. **بهشت اخلاق بررسی ۳۱۳ واژه اخلاقی**. بی‌جا. مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج).

33. Bar-on, r. 1997. **Baron emotional quotient inventory: technical manual**. Toronto, multi-health system.
34. ———. 2006. **“The bar-on model of emotional-social intelligence (esi)”**. *Psicothema*. 18. P 13-25.
35. Dzurilla, T. J.; Sheedy, C. F. 1995. **“The relations between social problem solving ability and subsequent level of academic competence in college students”**. *Cognitive therapy and Research*. Vol: 16. No. 5. P 589-599.
36. Eliot, T. R.; Sherwin, E.; Harkins, S. W. 1995. **“Self-appraised problem solving ability, affective states and psychological distress”**. *Journal of Counseling Psychology*. Vol. 42, No. 1. P 105-115.
38. Payne, j. ww., Bettman, j. R., and Johnson, E. j. (1993) **The adaptive decision maker**. cambridge university press: Cambridge.